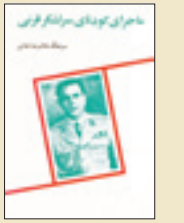


پیش‌خوانی

نظری دیگر بر واقعه کودتای سرلشکر محمدولی قرنی علیه رژیم شاه

واقعه ناخوانده

■ **سرهنگ غلام‌رضانجاتی**



از فعالان کودتا و از معدود افسران مورد توجه و اعتماد محمدرضاشاه را که در رأس رکن دوم ستاد ارتش قرار داشت و به منزله چشم و گوش شاه بود، به فکر تغییر حکومت و در نهایت کودتای علیه رژیم شاه انداخت، مستلزم نگریش هر چند کوتاه درباره اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران طی ماه‌های اول بعد از کودتاست. این بررسی به لحاظ استفاده از اسناد و مدارک دولتی امریکا و انگلیس که در سال‌های اخیر به‌تدریج از طبقه‌بندی سری خارج می‌شود و در دسترس پژوهشگران قرار می‌گیرد و نیز در جهت روشنگری بیشتر زوایای تاریک تاریخ معاصر ایران، به‌خصوص موضوع مورد بحث ما، کودتای سرلشکر قرنی حائز اهمیت است.

■ ■ ■ ■

دکتر مارک جی. گازیوروسکی (Dr. M. J. Gasiorowski) استاد علوم سیاسی دانشگاه لوئیزیانا و نویسنده کتاب «ماجرای کودتای سرلشکر قرنی» از پژوهشگرانی است که پیرامون روابط امریکا با کشورهای جهان سوم، به‌ویژه ایران بررسی و تحقیق می‌کند. نخستین اثر او کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که به عنوان رساله دکتری وی در سال ۱۹۷۸ در مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه انتشار یافت.^(۱) دیگر او کتابی تحت عنوان نه شرق، نه غرب: ایران، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکاست که با همکاری خانم نیکی کندی در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. کتاب دیپلماسی امریکا و شاه شوش دیگر تحقیقاتی گازیوروسکی درباره چگونگی مداخلات ایالات متحده امریکا در ایران و پیامدهای آن در دوران سلطنت محمدرضاشاه به شمار می‌رود.^(۲) دکتر گازیوروسکی در میان پژوهشگران غربی و ویژگی‌های خاصی دارد. عمده تحقیقات او درباره رویدادهای سیاسی ایران از دهه ۱۳۲۰ تاکنون



■ **سپهبد محمدولی قرنی در کنار برخی دوستانش در ارتش**

است و یکی از کارشناسان برجسته مسائل ایران و خاورمیانه محسوب می‌شود. او برخلاف اغلب محققان و نظریه‌پردازان غربی و شرقی، به‌خصوص امریکایی‌هاو فارغ از حسابگری‌های سیاسی روزبرای شناخت صحیح واقعیت‌ها ماجرا را به از مایشگاه دیالکتیک می‌کشد. در این رهگذر سیاست دولت امریکا را ز سر سؤال می‌برد و در بسیاری از موارد در انتقاد از عملکرد سیاسی مقامات امریکایی تردید به خود راه نمی‌دهد. وی در باره آثار و پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نکتین می‌نویسد: «کودتای ۱۹ اگوست ۱۹۵۳ در ایران که با حمایت ایالات متحده امریکا انجام شد، در مقام یکی از حوادث مهم تاریخ جهان پس از جنگ جهانی دوم در آمده است. این کودتا به پیشخوان روزنامه فروشی راه دموکرات‌منش و مردمی را که در ایران به وجود آمده بود، بر انداخت و رژیم دیکتاتوری جایگزین آن همه فعالیت‌های سیاسی جامعه را سرکوب کرد. تنش حاصل از آن نظام بهم سربازایی در تکون انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران داشت. اگر مصدق سرنگون نشده بود، شاید انقلابی هم رخ نمی‌داد.» مؤلف کتاب دیپلماسی امریکا و شاه در تحلیل سیاست وابستگی شاه به واشنگتن و نتایج آن در دوران انقلاب می‌گوید: «...پیش از انقلاب بسیاری از ایرانیان دقیقاً از نقش امریکا در پابر جایی و تقویت رژیم شاه آگاه بودند و این موضوع سبب می‌شد پادشاه خود را شاه امریکایی بخوانند و به‌انقلاب چهره‌ای بسیار شامزیم‌کنایی بدهند. ولی هیچ‌کدام از بررسی‌هایی که در باره علت بروز انقلاب ایران صورت گرفته یا در زمینه سیاست خارجی امریکا نسبت به ایران به عمل آمده، اثر روابط امریکا و ایران را بر سیاست داخلی ایران به‌روشنی تحلیل نکرده است.» کتاب کودتای قرنی از جنبه روش تحقیق در نوع خود آموزنده است. مؤلف برخلاف آن دسته از نویسندگانی که با تحریف حقایق و افسانه پردازی‌های عوام‌پند سعی دارند رویدادها را در راستای مقاصد خود تفسیر کنند، نظرات خویش را بر پایه جهان‌بینی علمی پیاده کرده و نشان داده است چگونه می‌توان واقعیت‌های تاریخی را بااستناد به مدارک و شواهد معتبر ارائه کرد. مطالعه این کتاب که روشنگر بخشی از زوایای پنهان تاریخ معاصر ایران است، برای عموم، به‌خصوص جوانان بسیار مفید خواهد بود.

■ **پی‌نوشت‌ها:**

(۱) این رساله به وسیله نویسنده این مقاله ترجمه و در سال ۱۳۶۹ از طرف نشرکت سهامی انتشار منتشر شده است.
(۲) این کتاب به ترجمه آقای جمشید زنگنه در سال ۱۳۷۱ به‌وسیله مؤسسه خدمات فرهنگی رسان‌انتشار یافت.



«**حال و احوال خاندان سلطنت در نیمه دوم دهه ۲۰» در آئینه افشاگری‌های محمد مسعود**

اشرف به سگ خود هم مشروب می‌داد!

◆ شاهد توحیدی

آوازه «محمد مسعود» در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، به عمیانگری و افشاگری‌های اوست. او پس از شهریور ۲۰ و به مدد پشتکار خود، روزنامه «مرد امروز» را به مثابه جریده‌ای که سخن از دردها و حق‌کشی‌ها در حق جامعه ایرانی می‌گوید، منتشر ساخت و در اندک زمانی، خوانندگان و خوانندگانی فراوان یافت. بخشی از حملات مسعود به گونه‌های صریح، متوجه دربار و به‌طور مشخص تر، محمدرضا

و اشرف پهلوی بود، به گونه‌ای که پس از ترور مبهم وی، بسیاری گمان بردند که اشرف دستور تروری را صادر کرده است. هرچند از این نکته نمی‌توان چشم پوشید که در آن سالیان، شاه و دربار موقعیتی ضعیف داشتند و افشاگری درباره آنان، چندان پسر هرز پنه نبود، با این همه در میان اتبوه جرایدی که پس از شهریور ۲۰ تا مرداد ۲۲ به پیشخوان روزنامه فروشی راه یافتند، «مرد امروز» از ریسک پذیر تر نبی و شجاع‌ترین‌ها بود و به همین دلیل نیز محبوبیتی بسزا یافت. با این همه نمی‌توان از ادعای بدین مهم نیز گذشت که در کار مسعود نیز گاه خطبها و اشتباهاتی یافت می‌شد که عده‌ای از نخبگان این کودتا بهم مسعود دکتر مصدق، آخرین نشان و به‌ویژه همکاران را از حمایت جدی از او بر حذر می‌داشت. رفتارهایی نظیر جایزه تعیین کردن بر این شگشتن احمد قوام! یا حمله به استغفانه زنان محجبه‌ا جادر و مواردی از این دست، گاه از جاذبه کار او می‌کاست و به دست مخالفان بهانه می‌داد. با همه آنچه گفتیم، افشاگری‌ها و حملات مسعود به دربار در آن دوره، پیام‌هایی برای تاریخ‌نگاری دوره پهلوی نیز است که «یافتن روحیات محمدرضا پهلوی و اطرافیانش در آن دوره» در زمره آنهاست. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که شاه پس از مطلق‌العنان شدن بعد از مرداد ۳۲، به گرداب فساد در غلتید و گره نه تا پیش از آن سخنان و افشاگری‌های مسعود در دهه ۲۰ نشان می‌دهد که زمینه‌ها و عوامل بروز رفتارهای پس از مرداد۳۲، سال‌ها پیش از آن در ذهن و ضمیر شاه وجود داشت و او در آن سال‌ها، تنها به

مشاهده افشاگری بود که آب نمی‌یافت! مواردی که در پی می‌آیند، نمونه‌هایی از هر آنچه هستند که مسعود در آن سال‌ها دربار کردار و گفتار درباریان گفته یا از او توسط دوستانش، روایت شده است.

■ ■ ■ ■

■ **چگونه با شعار شاه‌دوستی اعصاب مردم را تخدیر می‌کنند؟**

محمد مسعود از جمله روزنامه‌نگاران شجاعی است که در آغازین سالیان سلطنت محمدرضا پهلوی، با ایجاد حریم کاذب و اسطور‌سازی از او و خانواده‌اش، برحسأ مخالفت می‌کرد. این رویکرد هنگامی تشدید می‌شد که وی نقش مخرب دربار را در ایجاد بحران‌های اجتماعی و اقتصادی می‌دید و در می‌یافت

تاریخ

کمد و گو ۸۸۴۹۸۴۳۸

■ **محمد مسعود در کنار برخی همکاران روزنامه‌نگار خویش در روزنامه مرد امروز**

درد

آوازه «محمد مسعود» در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، به عمیانگری و افشاگری‌های اوست. او پس از شهریور ۲۰ و به مدد پشتکار خود، روزنامه «مرد امروز» را به مثابه جریده‌ای که سخن از دردها و حق‌کشی‌ها در حق جامعه ایرانی می‌گوید، منتشر ساخت و در اندک زمانی، خوانندگان و خوانندگانی فراوان یافت. بخشی از حملات مسعود به گونه‌ای صریح، متوجه دربار و به‌طور مشخص تر، محمدرضا و اشرف پهلوی بود

تریبون دوتاسیون در ۴۰۰ هزار تیراژ در سراسر جهان منتشر می‌شود، بنابراین مطالبی که همه مردم جهان از آن آگاهی یافته‌اند، دلیلی ندارد مردم کشوری که این مقاله مربوط به آنهاست از آن آگاه نشوند. با همه این حرف‌ها سفیر کبیر فرانسه سرانجام دست به دامن رئیس شهربانی، سرتیپ صفاری شد و ماجرا را برای وی شرح داد و سرتیپ صفاری به او وعده مساعدت داد. روز بعد، پنج‌شنبه بامداد از اداره سیاسی شهربانی چندبیار خواستند با مسعود تماس بگیرند که حتی‌المقدور سعی می‌کردیم از این تماس جلوگیری کنیم، زیرا علتش را می‌دانستیم و به صلاحمان نبود. رئیس اداره سیاسی مراتب را به اطلاع رئیس شهربانی رسانید. سرتیپ صفاری یکی دو بار به دفتر «مرد امروز» تلفن کرد، سرانجام با مسعود تماس گرفت و ماجرا را از وی جویا شد. در اینجا هم مسعود جواب صریحی به رئیس شهربانی نداد.

همچنین مسعود در برابر ابرار رئیس شهربانی صریحا پاسخ داد: «تیمسار! در کار خود آزادم. اگر بد نوشته شده است، چرا آن را در روزنامه خود منعکس و روزنامه‌نگار فرانسوی را رسوا نسازیم؟ اگر خوب نوشته است چرا مردم وطنمان از یک مطلب خوب مربوط به خودشان آگاه نشوند؟ اما

اینکه به شما قول بدهم آن را منتشر نکنم، چنین قولی نمی‌دهم. از همه بالاتر آنکه هنوز دقیقاً این مقاله را نخوانده‌ام، زیرا هنوز مترجم زبان فرانسه ما ترجمه آن را برابم نیاورده است.»^(۱)

■ **پالتوی پوست ۲۵ هزار دلاری اشرف پهلوی!**

همانگونه که در صدر این مقال اشارت رفت، یکی از سرفصل‌های شاخص موضعگیری‌های محمد مسعود علیه دربار، مواضع وی در برابر ولنگاری‌های مالی و اخلاقی اشرف پهلوی بود. به واقع رفتارهای غیر عرفی ولمپنیستی وی در آن دوره، از عوامل شاخص بدبینی مردم به دربار به

شمار می‌رفت، چیزی که بعد از ۲۸مرداد تشدید شد و به اوج خود رسید. در آن دوره و در میان مردم، داستان‌های فراوانی درباره سوءاستفاده‌ها و ولخرجی‌های اشرف در مسافرت‌های خارجی، دهان به دهان می‌چرخید و پخش می‌شد. برخی که در آن دوره در نوشتن علیه‌پهلوی‌ها،ی محاباثر عمل می‌کردند-نشر می‌یافت و سپس در روزنامه «مرد امروز» درج می‌شد. دکتر شیفته ماجرای یکی از این افشاگری‌ها را اینگونه به قلم آورده اشرف پهلوی یکی از پرهیاهوترین خبرهای بود که دو هفته پیش از ترور مسعود در روزنامه «مرد

■ **افشاگری روزنامه پارسی درباره شاه و فوزیه**

محمدرضا پهلوی درسالیان آغازین سلطنت، تازه با مواهب پول و قدرت بی‌حساب و کتاب آشنا می‌شد! و آغازین گلم‌های تفریح با آن را برمی‌داشت. این رویکرد اما، از دید نظاران خارجی نیز پنهان نمی‌ماند و گاه و بیگاه، نکاتی درباره آن در جراید خارجی منتشر می‌شد. در میان جراید داخلی، روزنامه «مرد امروز» به سرپرستی محمد مسعود، از معدود مطبوعاتی بود که شجاعانه به درج این گزارش‌ها اقدام می‌کرد. استدلال مسعود در اینباره، این بود که هنگامی که روزنامه‌های پرتیراژ در خارج از کشور، مطلبی را درباره ایران و رهبران آن منتشر می‌سازد، دلیلی ندارد که مردم ایران از آن مطلع نشوند و تنها اروپایی‌ها آن را بخوانند. درج اینگونه گزارشات برای دربار و ایادی آن، بس مخاطره‌آمیز به شمار می‌رفت و موجب می‌شد که آنها از تمامی توان خود برای جلوگیری از چاپ اینگونه موارد اقدام کنند، هر چند در مواردی چند، عملاً از پس مسعود بر نمی‌آمدند و وی از آخرا، مطلب مورد نظر را در «مرد امروز» منتشر می‌کرد.

یکی از این موارد، مربوط به روابط شاه ایران و فوزیه مصری و سایر جریانات عشقی آن دو سبود که در روزنامه‌ای فرانسوی نشر یافت. دکتر نصرالله شیفته از همکاران نزدیک مسعود، در اینباره می‌نویسد:

«عصر روز چهارشنبه ۱۹ تیسر ۱۳۲۵ و وابسته مطبوعاتی سفارت فرانسه که با مسعود دوستی و آشنایی داشت به دفتر «مرد امروز» تلفن و با مسعود صحبت کرد. پس از احوالپرسی از وی پرسید آیا شما آخرین شماره تریبون دوتاسیون را که مقاله‌ای راجع به شاه ایران نوشته است ملاحظه کرده‌اید؟ مسعود همانطور که در چنین مواردی پاسخ می‌داد اظهار بی‌اطلاعی کرد. وابسته مطبوعاتی سفارت فرانسه از مسعود پرسیده بود آیا ممکن است از شما خواهش کنم این مقاله را که تقریباً نسبت به دربار ایران توهین‌آمیز است چاپ نکنید؟ زیرا به روابط ما با دربار شاهنشاهی لطمه وارد خواهد ساخت. مسعود باز هم جواب مبهمی داد که نه منفی بود و نه مثبت. وابسته مطبوعاتی که نتوانست جواب و قول صریحی از مسعود بگیرد مآ یوسانه خداحافظی کرد.

موضوع مقاله تریبون دوتاسیون چاپ پاریس این بود که از قول خیرنگار خود در ایران راجع به روابط شاه ایران و فوزیه مصری و سایر جریانات عشقی آن دو نوشته بود که تقریباً چاپ آن بسیار اهانبات تلقی می‌شد. ما از طریق یکی از کنافروشی‌ها به این مقاله دست یافتیم. وقتی سفارت فرانسه در یافت مانسخه‌ای از تریبون دوتاسیون را در بدو ورود به ایران دریافت کرده‌ایم، در حالی که بلافاصله مأموران سفارت تمامی این مجلات را خریداری کرد و در سفارت سوزانید که فقط یک نسخه از آن قیلا در اختیار ما قرار گرفته بود و این خود موجب نگرانی شدید مقامات سفارت فرانسه شده بود، زیرا آنها به‌خوبی واقف بودند روزنامه «مرد امروز» از چاپ هر گونه مقاله‌ای چه له یا علیه دربار و شاه در روزنامه ابایی ندارد... سفیر به هردری زد مایوس شد، چون ممکن بود چاپ ترجمه این مقاله در «مرد امروز» سخت روابط دو کشور را تیره سازد. استدلالمان این بود یا توجه به اینکه

۹ جوان | شماره ۴۵۳۳

یعنی به دستخط شریف فاتحه خواندند و گفتند ارز نداریم ما توفیق والا حضرت اشرف شاهدخت را به ترویج منسوجات داخلی، مخصوصاً حمایت، پوشاندن و گرم کردن گدایان و برهنگان از خداوندی که آنها را انطور و ۱۵ میلیون ما را اینجور خلق فرموده است خواهانیم!»^(۲)

■ **پذیرایی از سگ با شامیان!**

شواهد نشان می‌دهد که محمد مسعود تاواپسین ساعات حیات، افشاشگری درباره اشرف پهلوی را فرو نگذاشته است. او در پی افشای ماجرای پالتوی پوست ۲۵ هزار دلاری، به گزارش دیگری دست یافت که اشرف پهلوی در سفر به انگلستان، به سگ‌های کوچک خود، مشروبات الکلی گران قیمت می‌دهد! این خبر همراه با یک تصویر، در آغاز در برخی مطبوعات انگلیسی و سپس در مطبوعات عربی درج و بازتابی نمایان یافت. به دست آوردن این حربه برای محمد مسعود که هیچ فرصتی را برای تخطئه دربار فرو نمی‌نهد، فرصتی مناسب به حساب می‌رفت. او این خبر را آماده کرد و در جیب خود نهاد تا در اولین فرصت در روزنامه «مرد امروز» به چاپ رساند که اجل ماه ۱۳۲۶ در برابر پایخانه مظاهری تهران، به شکلی فجیع جان سپرد. پس از مرگ و در حضور دادستان، از جمله اولین چیزهایی که از جیب مسعود خارج شد، ماجرای پذیرایی اشرف پهلوی از سگ‌هایش در انگلستان بود که او قصد داشت در روزنامه خود منتشر سازد. چنین شواهد و رویدادهایی، افکار عمومی و خوانندگان فراوان روزنامه «مرد امروز» را در شناخت قاتل مسعود، به سوی اشرف پهلوی دلالت کرد. این شایعه تا سال‌ها بر سر زبان‌ها بود تا اینکه دستگیری خسرو روزبه و اعتراف او به قتل مسعود، اذهان را به سوی دیگری برد. نصرالله شیفته درباره آخرین افشاگری مسعود درباره اشرف آورده است:

«پس از انتشار عکس پالتوی پوست مینک ۲۵ هزار دلاری اشرف پهلوی در شماره ۱۳۶ مورخ دهم بهمن ۱۳۲۶، بریده خبری از اشرف پهلوی به نقل از یکی از مجلات عربی (المصوریا اللاتین) به دستمان رسید که خلاصه آن به قرار زیر است:

در جریان سفر اشرف پهلوی به انگلستان از آنجا که هنوز مقررات جیره‌بندی به خاطر آثار جنگ دوم جهانی برقرار بود، نظر به اینکه سگ‌های اشرف پهلوی در انگلستان دچار مضمیقه غذایی شدند که به مطبوعات هم درز کرده بود، به موازات آن خبر دیگری در مطبوعات انگلیسی – که بعداً در مطبوعات عربی هم نشر نقل شد – خبر عجیبی با چاپ یک عکس انتشار یافت بدین قرار: سگ‌های



■ اشرف پهلوی در سالیان دهه ۳۰ شمسی

درد

یکی از سرفصل‌های شاخص موضعگیری‌های محمد مسعود علیه دربار، مواضع وی در برابر ولنگاری‌های مالی و اخلاقی اشرف پهلوی بود. به واقع رفتارهای غیر عرفی ولمپنیستی وی در آن دوره، از عوامل شاخص بدبینی مردم به دربار به شمار می‌رفت

کوچک اشرف پهلوی را نشان می‌داد که در حال نوشیدن شامیان هستند و دست زاننه طرفی شیشه شامیان را در طرف سگ خالی می‌کند! در زیر آن عکس هم شرح کنایه‌آمیز و تندى از ولنگاری‌های اطرافیان شاه چاپ شده بود. این عکس و شرح عربی آن که از آن مجله مصری بریده شده و قرار بود در یکی از شماره‌های آینده «مرد امروز» چاپ شود، در جیب مسعود جزو اوراقی بود که پس از ترور در ساعات نیمه شب جمعه ۲۳ بهمن ۱۳۲۶ در حضور دادستان تهران پیراسته از رئیس آگاهی تهران و یکی دو تن دیگر و اینجانب جیب مسعود خارج شده بود، صورت‌مجلس و تحویل مأموران اداره آگاهی داده شد.»^(۳)

پی‌نوشت:

۱- ر. ک به: مرد امروز مورخه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۴
۲- ر. ک به: زندگی و مبارزات محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز، به قلم دکتر نصرالله شیفته، انتشارات آفتاب حقیقت، چاپ اول، صص ۱۸۳- ۱۸۰
۳- ر. ک به: همان، صص ۱۸۶- ۱۸۴
۴- ر. ک به: همان، صص ۱۸۷- ۱۸۶